

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع مقاله: بررسی احکام نجاست نواصب طبق نظر فقها از قرن ۱۱ به بعد

استاد مقاله: استاد نجاتی زید عزه

محمدعلی یزدان شناس

بهار ۱۴۰۰

با توجه به این که در رابطه با نواصب، در چهار کتاب، کتاب الطهاره، کتاب النکاح، کتاب الارث و کتاب الحدود، احکام خاصی وجود دارد، این ضرورت وجود دارد که موضوع مشخص شود و ابتدا بدانیم که ناصبی کیست. در زمان حاضر نیز که دشمنان شیعه سعی در بدنام کردن شیعه دارند، باید تعریف ناصبی مشخص شود و مصادیق آن مشخص شوند تا راه بر بدخواهان شیعه بسته شود. وحدت در این برهه حساس از زمان با برادران اهل تسنن واجب است و باید جلوی هرچه که مانع از وحدت می شود، گرفته شود. ان شاء الله که این مقاله بتواند کمکی به تبیین مفهوم ناصبی بکند. بررسی احکام مربوط به ناصبی نیاز به مقالات تخصصی تر و در حیطه خاص خود دارد. این مقاله سعی دارد فقط مفهوم ناصبی را مشخص کند.

چکیده

روایات متعددی در باب کفر و نجاست نواصب وجود دارد که به نظر می رسد اجماع فقها در این باب وجود دارد، ناصبی نیز به کسی گفته می شود که بغض و عداوت اهل بیت علیهم السلام را اظهار می کند. باید دقت کنیم که تعریف ناصبی با ساب فرق می کند. مشهور فقها، مخالفین را مسلمان می دانند و قائل به نجاست آن نیستند. کفر لزوما در مقابل اسلام نیست و این نکته و ملاحظات آن در این مقاله گنجانده شده است.

کلیدواژه

ناصبی_ نواصب_ کفر_ نجاست_ مخالف_ ایمان_ اسلام

ذَ صَبَّ يَعْنِي: الاعیاء و التَّعَبُ^۱ در قرآن کریم نیز مصادق دارد. «فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاةَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا»^۲. نصب معنای دیگری نیز دارد که به معنای اظهار کردن است که در قرآن کریم نیز استعمال شده است «وَمَا أَكَلِ السُّبُعُ إِلَّا مَا دَكَّيْتُمْ وَمَا دُبِحَ عَلَى النَّصِيبِ»^۳ «نُصِبَ: جماعة النَّصِيبِ، و هي علامة تُنصَبُ للقوم، أي علامة كانت لهم - العَلَمُ»^۴ که به معنای علامت است.

ناصبی در اصطلاح به چه کسی گفته می شود؟

نواصب به فرقه ای گفته می شود که بغض و عداوت خود نسبت به اهل بیت علیهم السلام را اظهار می کنند مثل معاویه و یزید لعنه الله علیه. در نجا ست و کفر این فرقه هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد به دلیل روایت ابن ابی یعفور^۵:

نواصب از حیث ظاهر و باطن نجس هستند. ناصبی از سگ نیز نجس تر است (روایت آن در ادامه می آید) زیرا نجاست سگ فقط ظاهری است اما ناصبی در ظاهر و باطن نجس است.

ادعایی مطرح می شود که نواصب در زمان بنی امیه بوده اند و در این حال پیروان اهل بیت علیهم السلام با آن ها رفت و آمد داشته اند و حتی به خانه آن ها می رفته اند و هیچ نهی از این کار صورت نمی گرفته است. اما جناب شیخ انصاری رحمه الله ما را منبه کرده است و حاصل این چنین است که غالب احکام در زمان صادقین علیهما السلام می باشد و و جایز است که حکم کفر نواصب نیز در همان زمان باشد اما علت رفت و آمد اصحاب اهل بیت علیهم السلام با آن ها به علت این بوده است که در آن زمان، شیعیان علم به نجا ست نواصب نداشته اند^۶. توضیح این مطلب مفصل است که با توجه به شرایط حکومت بنی امیه و بنی عباس چه فضایی حاکم بوده است و همینطور به دلیل تحت فشار بودن شیعیان و دیگر دلایل، کفر نواصب به صورت عمومی اعلام نشده بود. برای توضیح بیشتر در این باره به آدرس مذکور مراجعه کنید.

روایات مربوط به نجاست کفار را در ادامه بیان می کنیم اما قبل از آن مسئله ای را بررسی می کنیم. مسئله این است که مخالفین شیعه دوازده امامی نجس هستند و حکم کافر را دارند یا خیر؟ آیا انکار ولایت اهل بیت

^۱ العین ماده نصب

^۲ سوره کهف آیه ۶۲

^۳ سوره مائده آیه ۳

^۴ العین

^۵ موسوعه آیت الله خویی جلد ۵ صفحه ۶۹ و ۷۰

^۶ موسوعه آیت الله خویی جلد ۳ صفحه ۷۱

عليهم السلام یا بعضی از آن‌ها مثل انکار رسالت پیامبر مستلزم کفر است یا خیر؟ مشهور این است که مخالفین و فرقه‌های غیر از شیعه‌های دوازده امامی، مسلمان هستند و ظاهر هستند اما صاحب حدائق رحمه الله علیه حکم به نجاست و کفر اهل خلاف را به سید مرتضی و مشهور متقدمین نسبت می‌دهد و مختار خود نیز همین است. برای نجاست مخالفین سه دلیل وجود دارد. دلیل اول دسته‌ای از روایاتی است که مخالفین را کافر می‌داند، در زیارت جامعه داریم که «و من وحده قبل عنکم» عکس نقیض این قضیه که صادق است و کسی که اهل بیت عليهم السلام را نپذیرد غیر موحد است. اما دلالت این دسته روایات نمی‌تواند بر نجاست باشد، مقصود از کفر، کفر در مقابل اسلام نیست بلکه کفر در مقابل ایمان است و یا این طور بگوییم که کفر واقعی است اما کفر در مقابل اسلام نیست. برای اسلام، شهادتین کافی است و به غیر از شهادت بر خداوند و رسولش چیز دیگری نیاز نیست. اسلام بر پایه پنج چیز به خصوص ولایت بنا شده است و اگر کسی ولایت را قبول نداشته باشد واقعا مسلمان نیست اما اگر همین شخص شهادتین بگوید، ظاهراً مسلمان است. علاوه بر این سیره اهل بیت عليهم السلام نیز نشان می‌دهد که خودشان با مخالفین رفت و آمد داشته‌اند و از آن‌ها خرید می‌کرده‌اند. دسته دیگری از روایات نیز وجود دارد که مخالف را ناصبی می‌داند مثل «أن الناصب لیس من نصب لنا أهل البيت، لأنک لا تجد أحداً یقول: أنا أبغض محمداً و آل محمد و لکن الناصب من نصب لکم و هو یعلم أنکم تتولون و أنکم من شیعتنا». نهایت چیزی که از این اخبار بدست می‌آید این است که مخالف ناصبی است اما حکم به نجاست آن‌ها بدست نمی‌آید زیرا نصب به خود اهل بیت عليهم السلام باعث نجاست است و همچنین نصب به شیعیان در صورتی که علت آن حب امیرالمومنین و اولادش عليهم السلام در شیعیان باشد اما اگر منشأ آن فرق کند و مخالفین ببینند که شیعیان از خلیفه تبعیت نمی‌کنند در صورتی که خود مخالفین نیز حب امیرالمومنین علیه السلام را نیز دارند، نصب به شیعیان نمی‌تواند باعث نجاست مخالفین باشد.

سومین دلیلی که آورده می‌شود که مخالفین نجس هستند این است که مخالفین، منکر ضروری دین هستند و ضروری دین ولایت مولا امیرالمومنین علیه السلام است. این دلیل وجیه است اما برای کسی که علم داشته باشد و انکار کرده باشد و مقصر باشد. عامه مخالفین ولایت را به معنای حب و ارادت، ضروری دین می‌دانند نه ولایت به معنای خلافت. خود اهل تسنن نیز حب اهل بیت عليهم السلام را دارند. انکار ضروری دین زمانی باعث کفر و نجاست می‌شود که مستلزم کفر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد و این موضوع برای عامه مخالفین (به غیر از کسانی که عمداً منکر می‌شوند) محقق نیست. بلکه ولایت به معنای خلافت از ضروریات مذهب است اما از ضروریات دین نیست. «فلا صحیح الحکم بطهاره جمیع المخالفین للشیعه الاثنی عشریه و

اسلامهم ظاهراً لا فرق في ذلك بين اهل الخلاف و بين غيرهم و ان كان جميعهم في الحقيقة كافرين، و هم الذين سمّيناهم بمسلم الدنيا و كافر الآخرة»^٧.

دو روایت درباره نجاست ناصبی: فی روایه ابن اَبی یَعْفور «إن الله تعالى لم يخلق خلقاً أنجس من الكلب و ان الناصب لنا - أهل البيت - لأنجس منه»، رواه الفضيل عن الباقر (ع): «عن المرأة العارفة هل أزوجه الناصب؟ قال (ع): لا، لأن الناصب كافر»^٨.

نجاست نواصب قطعی است و اجماع وجود دارد، روایاتی وجود دارد که صراحتاً کفر و نجاست نواصب را معلوم می کند. نصب به معنای عداوت و دشمنی که به دو شکل می تواند باشد، یکی تقدیم جبت و طاغوت و دیگری بغض و عداوت به شیعیان اهل بیت علیهم السلام.^٩

به نظر می رسد صاحب جواهر رحمه الله علیه، مخالفین را ملحق به نواصب می کند و برای آن ادله و روایت می آورد. به تعدادی از روایات که در جواهر آمده است توجه کنید: ١ - كقول الصادق عليه السلام في خبر ابن أبي يعفور: «لا يغتسل من البئر التي تجتمع فيها غسالة الحمام، فإن فيها غسالة ولد الزنا و هو لا يطهر إلى سبعة آباء، و فيها غسالة الناصب و هو شرهما، إن الله لم يخلق خلقاً شراً من الكلب، و الناصب لنا أهون على الله من الكلب»^{١٠} - كخبره [ابن أبي يعفور] الآخر المروى عن العليل^{١١} في الموثق على ما قيل^{١٢} - عن الصادق عليه السلام أيضاً، إلى أن قال: «إن اللّه تبارك و تعالى لم يخلق خلقاً أنجس من الكلب، و إن الناصب لنا أهل البيت لأنجس منه»^{١٣} - و قوله عليه السلام في خبر القلاذسي في جواب سؤاله عن لقاء الذمي في صافحه، فقال: «امسحها بالتراب؛ قلت: و الناصب؟ قال: اغسلها»^{١٤} فللمروى في مستطرفات السرائر^{١٥} من كتاب مسائل الرجال لمولانا أبي الحسن علي بن محمد الهادي في جملة مسائل محمد بن علي بن عيسى، قال: كتبت إليه أسأله عن الناصب هل احتاج في امتحانه إلى أكثر من تقديمه الجبت و الطاغوت، و اعتقاده بإمامتهما؟ فرجع الجواب: «من كان على هذا فهو ناصب... إلى آخره»^{١٦} فلقول الصادق عليه السلام في خبر عبد الله بن سنان المروى عن

^٧ موسوعه آيت الله خويي جلد ٣ صفحه ٧٨، ٧٩ و ٨٠

^٨ مستمسك العروة الوثقى جلد ١ صفحه ٣٨٩

^٩ جواهر الكلام جلد ٣ صفحه ٢٩٩

^{١٠} الوسائل ١: ٢١٩، ب ١١ من الماء المضاف، ح ٤.

^{١١} علل الشرائع: ٢٩٢، ح ١.

^{١٢} الحدائق ٥: ١٨٨.

^{١٣} الوسائل ١: ٢٢٠، ب ١١ من الماء المضاف، ح ٥.

^{١٤} في المصدر: «بالتراب و الحائط».

^{١٥} الوسائل ٣: ٤٢٠، ب ١٤ من النجاسات، ح ٤.

^{١٦} السرائر ٣: ٥٨٣.

^{١٧} في المصدر: «اعتقاد إمامتهما».

^{١٨} ليس للخير تنمة.

^{١٩} الوسائل ٩: ٤٩٠، ب ٢ مما يجب فيه الخمس، ح ١٤.

ابن بابویه:^{۲۰} «لیس الناصب من نصب لنا أهل البيت عليهم السلام؛ لأنك لا تجد أحداً يقول: أنا أبغض محمداً و آل محمد صلوات الله عليهم، و لكنّ الناصب من نصب لكم و هو يعلم أنّكم تتولّوننا و أنّكم من شیعتنا».^{۲۱}

این روایات دلالت بر کفر مخالفین دارد(راجع به کفر باطنی یا ظاهری قبلاً بحث شد) اما هیچ کدام دلالت بر نجاست آن ها ندارند.^{۲۲} آیین استدلال که عده ای ولایت که ضروری دین را قبول ندارند قبلاً بیان شد. مشهور فقها، مخالفین را مسلمان می دانند. روایاتی که بیان شد نیز کفر در مقابل اسلام نیست بلکه در مقابل ایمان است، همچنین دلیلی برا نجاست مخالفین وجود ندارد زیرا کفر در مقابل اسلام نیست و ظاهراً مسلمان هستند. به این موثقه توجه کنید: کموثق سماعه: «قلت لأبي عبد الله (ع): أخبرني عن الإسلام و الايمان أهما مختلفان؟ فقال (ع): إن الايمان يشارك الإسلام، و الإسلام لا يشارك الايمان. فقلت: فصفهما لي. فقال (ع): الإسلام شهادة أن لا إله إلا الله و التصديق بر رسول الله(ص)، به حقن الدماء، و عليه جرت المناكح و المواريث و على ظاهره جماعة الناس. و الايمان الهدى، و ما يثبت في القلوب من صفة الإسلام و ما ظهر من العمل به».^{۲۳}

آیت الله مکارم حفظه الله در کتاب النکاح، با توجه به نظر فقها و روایاتی که وجود دارد، تقسیم بندی خوبی می کنند که تفاسیر از روایات به چند قسم تبدیل می شود و الان آن را بیان می کنیم:

تفسیر اول، تفسیر بزرگانی است که ناصبی را کسانی می دانند که بغض اهل بیت علیهم السلام را جز دین خود می دانند. طبق تفسیر دوم، کسانی که عداوت اهل بیت را دارند ولی آن را جز دین خود نمی دانند مثلاً بر سر آب و زمین عداوت دارند، در این صورت دلیلی بر کفر این افراد نداریم. طبق تفسیر سوم، ناصبی کسی است که عداوت شیعه را داشته باشد و نه عداوت اهل بیت علیهم السلام فقط، روایت برای این تفسیر نیز در مقاله بیان شد. این تفسیر به تفسیر اول برمی گردد، چون نمی توانستند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عداوت بورزند به شیعیان عداوت می ورزیدند. در حال حاضر عداوت بعضی از مخالفین به شیعیان به این است که شما پیرو واقعی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام نیستید. با این توضیح نمی توان این افراد را ناصبی دانست. تفسیر چهارم این است که هرکس غیر از علی علیه السلام را بر او ترجیح دهد ناصبی است. روایت: محمد بن ادریس فی آخر السرائر نقلاً من کتاب مسائل الرجال عن محمد بن احمد بن زیاد و موسی بن محمد بن علی بن عیسی

^{۲۰} ثواب الأعمال: ۲۴۷، ح ۴.

^{۲۱} الوسائل ۹: ۴۸۶، ب ۲ ممّا یجب فیہ الخمس، ح ۳.

^{۲۲} مستمسک عروة الوثقی جلد ۱ صفحه ۳۹۲

^{۲۳} الوافی باب: ۱ من أبواب تفسیر الايمان و الکفر من الفصل الثاني من کتاب الايمان و الکفر.

^{۲۴} حکیم، محسن. نویسنده محمد کاظم ۱۳۷۴ ه.ش. مستمسک عروة الوثقی

قال: كتبت اليه يعني علي بن محمد عليهما السلام (امام هادي) اسأله عن الناصب هل احتاج في امتحانه الي اكثر من تقديمه الجبت و الطاغوت و اعتقاد امامتهما؟ فرجع الجواب: من كان علي هذا فهو ناصب.^{٢٥}

تفسير پنجم به این نحو است که هر مخالفی ناصبی است. «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة الجاهلية».

بررسی تفاسیر

«تفسیر پنجم:

احتمال آخر به قول مرحوم صدوق حرف جهال و خلاف سیره مستمره ائمه عليهم السلام است چرا که با غیر شیعه رابطه داشتند و هم غذا می شدند و گاهی از هم درس می خواندند، مثلاً اصحاب علی علیه السلام در کوفه همه شیعه خالص نبودند، پس احتمال آخر را نمی توان پذیرفت، البته ما در مسئله هشتم این موضوع را مفصل بحث می کنیم، و من العجب در باب ۱۰ از ابواب حد مرتد بیش از پنجاه روایت داریم که می گویند مخالفین کافر هستند، که آنها را معنی خواهیم کرد.

تفسیر چهارم:

خلاف سیره است چون بسیاری از آنها که غیر ائمه را بر ائمه عليهم السلام برتری می دهند به خاطر خطا و اشتباه است به طوری که اگر یک خطبه علی علیه السلام را ببینند خواهند فهمید که در اشتباهند و کسی به مجرد خطا و اشتباه ناصبی نمی شود.

تفسیر سوم:

مطلب تازه ای نیست و بازگشتش به احتمال اول است چون اسم علی علیه السلام را نمی تواند ببرد شیعه را دشمن می دارد پس در واقع در کانون دلش دشمن علی علیه السلام است.

تفسیر دوم:

مصادق کمی دارد و در زمان خاص و مربوط به گروه خاصی است.

^{٢٥} وسائل، ج ٦، ح ١٤، باب ٢ از ابواب ما يجب فيه الخمس.

تفسیر اوّل:

همان احتمال است، که در زمان ما مصداقی جز خوارج ندارد.

نتیجه: موضوع ناصبی همان قسم اوّل است.^{۲۶}

نتیجه گیری

با توجه به روایات متعددی که در این باب وجود دارد، تفاسیر متعددی از ناصبی و ملحقانش وجود دارد که در کتاب النکاح آیت الله مکارم حفظه الله تفاسیر متعدد بیان شده است. اما آن چه که مورد اتفاق و اجماع فقها است، نجاست و کفر کسانی است که بغض و عداوت خود نسبت به اهل بیت علیهم السلام را اظهار می کنند و در این باره هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد. در بحث فرق غیر شیعه دوازده امامی و مخالفین بحث هایی وجود دارد. صاحب جواهر رحمه الله علیه، بعضی از متقدمین از جمله سید مرتضی رحمه الله علیه را دارای این نظر می دانند که مخالفین کافر و نجس هستند و مختار خود نیز همین موضوع است اما قول مشهور فقهای امامیه این نیست و مشهور فقها، مخالفین را مسلمان می دانند. کفر در مقابل ایمان و در مقابل اسلام قرار دارد. با توجه به دلایلی که در مقاله بیان شد، فهمیدیم که کفر در روایات، کفر در مقابل ایمان است و مخالفین مسلمان هستند. شهادت بر خداوند و رسول او برای اسلام کافی است و شخص در ظاهر مسلمان است.

^{۲۶} مکارم شیرازی، ناصر. گردآورنده مسعود مکارم، و محمد رضا حامدی. ، ۱۴۲۴ ه.ق.، کتاب النکاح (مکارم)، قم - ایران، مدرسة الإمام علي بن أبي طالب (عليه السلام)، جلد: ۴، صفحه: ۱۵۴

فهرست منابع

- ۱- حکیم، محسن. نویسنده محمد کاظم بن عبد العظیم یزدی. ، ۱۳۷۴ ه.ش.، مستمسک العروة الوثقی، قم - ایران، دار التفسیر
- ۲- خوئی، سید ابوالقاسم. ، ۱۴۱۸ ه.ق.، موسوعه الإمام الخوئی، قم - ایران، مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی
- ۳- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. محقق موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع). مقدمه نویس محمود هاشمی شاهرودی. نویسنده جعفر بن حسن محقق حلی. ، ۱۴۲۱ ه.ق.، جواهر الکلام (ط. الحديثه)، قم - ایران، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (عليهم السلام)
- ۴- مکارم شیرازی، ناصر. گردآورنده مسعود مکارم. و محمد رضا حامدی. ، ۱۴۲۴ ه.ق.، کتاب النکاح (مکارم)، قم - ایران، مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (عليه السلام)
- ۵- فراهیدی، خلیل بن احمد عمر بن تمیم ابو عبدالرحمن، قرن ۲ ه.ق، کتاب العین